



راز معنوی خانه کعبه

۳

نقشه معبد کعبه

از هانری کربن

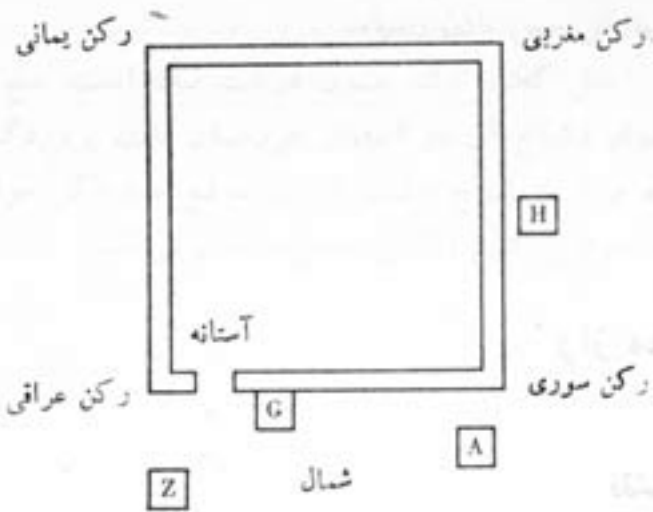
ترجمه: بزرگ نادرزاد



و بر فراز این واقعیات اصلیه چهار حد وجود دارد که مطابقت می‌کند با حدود چهارگانه متافیزیکی که در صفحات پیشین سخن از آن برفت (رجوع کنید به شکل ۱). اما این چهار حد به ترتیب عبارتند از: عقل عالمگیر Intelligence Universelle روح عالمگیر Ame Universelle طبیعت عالمگیر Nature Universelle و ماده عالمگیر Matière Universelle (ماده عالمگیر یعنی ماده‌ای که خود به تحقیق منشاء و مصدر عالم جهانی نیست ولی تمام حالات ظریف و معنوی ماده اولیه Materia Prima را نیز در بر می‌گیرد). «قاضی سعید قمی می‌فرماید جنبه‌ها یا ابعاد انوار عالیه برارض القابلیه می‌تابند تا انوار الهیه ظاهر گردند و در چنین موقعی است که زوایای چهارگانه مبارك و مقدس کعبه به‌خود شکل می‌گیرند».

این را نیز باید علاوه کرد که از این چهار حقایق متاصله‌الاهیه، دوتای آنها متوجه شرق واقعیت ذهنی (مشرق الحقیقه) یعنی معطوف به عقل عالم و روح عالم است (شکل ۴)، «چرا که هر دو این حقایق متعلق به عالم انوار منزهند و نیز هر دو این انوار در حکم مشرقی هستند که از آن خورشید معانی باطنی (شمس الاسرار) طلوع می‌کند. دوتای دیگر در مغرب یعنی طبیعت عالمگیر و ماده عالمگیر قرار دارند. نور همراه با دوتای نخستین ساطع می‌گردد (یعنی با عقل و روح) و این دو مشرق آن نور یا روز ایزدی آن هستند. سپس آن نور

در کتاب عظیمی که ذکرش در سطور پیشین رفت، قاضی سعید در چند صفحه به غایت فشرده متعرض مسأله نقشه کعبه شده و با عطف توجه به مطالب قبلی کتاب خویش کوشیده است تا معنای باطنی زیارت مکه و طواف دور خانه خدا را باز نماید. همانطور که در اشکال سابق دیدیم که چگونه می‌توان از معبد عالم به معبد معنوی دیانت پیغمبر رسید و دیدیم که تیغ‌ها و سطوح این معبد همان ائمه دوازده‌گانه هستند و نیز همین معبد ملکوت یا جنبه فوق حسی عالم خاکی است. بر همین منوال با ثابت نگاهداشتن همان اشکال و همان روابط فنکسیونل (کاروری) میتوانیم از ساخت مشترک میان اشکال اصلی تکوین عالم به نقشه معبد این جهانی کعبه برسیم و از این راه بفهمیم چرا کعبه، همانطور که از نامش در زبان عربی برمی‌آید، صورت مکعب دارد؟ در همه جا این اصل را دست اندر کار می‌بینیم. صورت نوریه یا صور عالیه در واقعیات عالم خاکی از خود نقش باقی‌گذاشته‌اند. واقعیات این جهان در حکم آینه‌ای هستند که صور نوریه را منعکس می‌کنند. (ناگفته نماند توجیها ت هندسی که در این مقاله عنوان کردیم اگر قرار بود درباره معابد یونانی هم اعمال شود به قوت و صحت خود باقی میماند). طبیعت نه به عنوان عالم خاکی که در آن زندگی میکنیم بلکه طبیعت بمثابة صورتی از اراده تجلی ذات باری، تشکیل شده است از مجموعه واقعیات اصلیه (یا حقایق متاصله Réalités-archétypes)



شکل ۵



شکل ۴ - شبانروز پیدایش عالم (جهانزائی)

کنید بشکل ۲) در این جا هم بکنیم و ببینیم امر «پایین آمدن» (تنزل) یا «انعکاس» واقعیات اصلیه برخانه کعبه چگونه واقع می شود؟ هر یک از زوایای قسمت علیای نقشه - بوسیله یک خط قائم که نمودار یکی از عناصر اربعه است - مطابقت پیدا می کند با هر یک از زوایای قسمت سفلیای نقشه. این خطوط قائم (یا ارکان) خود در حکم جدارهای معبدی هستند خیالی. اگر به قوه ادراک مثالی به این معبد بتکریم می بینیم که رفعت جدارهای این معبد سبب می شوند که زمین به آسمان متصل گردد.

الف) حال کعبه را به منزله شخصی بینگاریم که در مقابل زائری قرار گرفته که می خواهد از جنبه شمالی و مطابق با آن وارد شود (در سطور پیشین دیدیم که خانه خدا در حکم تجلی الهی خاتم نبوت است در یک شخص). این خود چهره خداست که بر زائر «رخ می کند» و فرمان خداوند دائر بر استقبال و جبهی: «در رویم نگر» ناظر به همین معناست. در چنین وضعی در جنب خط قائم خانه خدا - بعنوان شخصی که مقابل زائر ایستاده (البته در سمت چپ وی) یعنی در جهت شرقی و به رو به سمت شمال - زاویه یارکن عراقی قرار دارد که در آن حجرالاسود مستقر شده و در صفحات بعد خواهیم دید که همین حجرالاسود نهاد یا سمبول رموز خانه خدا و حیات معنوی انسان است. و نیز بعلت موقعیت خاصی که در بنای معبد دارد در حکم «قائم خداوند» است و باین صفت شهرت دارد. و نیز تطابق میان

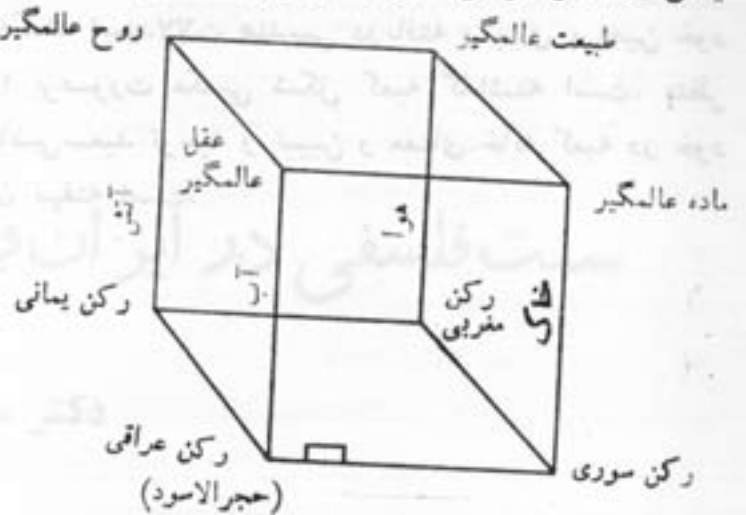
به یائین می گراید و غروب می کند و در دو تربیع آخر دوره یا دایره پنهان می شود و باین طریق طبیعت و ماده عالمگیر که در مغرب آن نور قرار دارند با شب برابری می کنند. مجموعه این چهار حد تشکیل آن چیزی را می دهد که به شبانروز زایش جهان یا نشیست و تکوین عالم معروف است. از این شبانگاه یا افق مغرب است که نوری جدید طالع خواهد شد و «زمان تار و متراکم (زمان کثیف) عالم ما را از میان خواهد برد». و در قرآن کریم آن جا که از «مالک مشرقین و مغربین» سخن می رود غرض همان آفاق دوگانه مشرق و آفاق دوگانه مغرب است. بر این اساس و به موجب قانون تطابقات باید که در نقشه کعبه، زوایا یا ارکان متناسب با یکدیگر و برحسب نسبتی واحد قرار یافته باشند. دو نای از این زوایا در مشرق قرار گرفته اند و حجرالاسود در میان آن دو نشانده شده و این دو زاویه به رکن عراقی و رکن یمانی موسومند. دو زاویه دیگر مغرب را تشکیل می دهند و به رکن مغربی و رکن سوری معروفند (شکل ۵).

شکل ۵ - نقشه کعبه برحسب قاضی سعید قمی. خانه کعبه به مثابه انسانی است متوجه به زائری که از سمت شمال بر وی وارد می شود. بدین طریق مشرق در جهت چپ شکل فوق قرار دارد.

H = حجر اسمعیل. G = مقام جبرئیل.
A = مقام ابراهیم. Z = چاه زمزم (مراجعه کنید به مطالب بخش ۴ همین مقاله).

حال همان علمی را که قبلا انجام دادیم (رجوع

طبیعت یعنی عالم جسمانی با عقل عالم در همین زاویه یعنی در رکن عراقی صورت می‌گیرد (شکل ۶)



شکل ۶- تطابق نقشه کعبه با نقشه واقعیات اصلیه

در سطور قبل دیده‌ایم که آب اصلی نهاد یا سمبول محتویات و معقولات عقل و در حکم انوار آن نور اعلی است. نتیجه‌ای که از این گفته‌ها عاید می‌شود این است که میان عناصر اربعه تشکیل‌دهنده عالم جسمانی، عنصر آب در همان رکنی بوجود می‌آید که وصل‌دهنده طبیعت است به عقل (البته از طریق ادراک مثالی) و خط عمودی که آنرا در مکعب معبد می‌نمایاند رابطه «فنکسیونل» مزبور (یعنی وصل) را مشخص می‌نماید. واژه عربی رکن که جمع آن ارکان است در عین حال واجد معانی زاویه و پیلپایه و ستون و هر یک از عناصر چهارگانه است). از این روست که می‌بینیم از خلال همین زاویه است که آب چاه زمزم بیرون می‌جهد.

ب) در قسمت شرقی متعادل به جنوب کعبه («بشست، معبد بمثابة شخصی است که روی به‌زائر دارد) رکن یمانی قرار دارد و آن منطبق با جهتی است که طبیعت را به روح عالمگیر یا روح جهان متصل می‌سازد. این رکن یمانی در منتهی‌الیه جهتی قرار دارد که به‌زاویه حجرالاسود پیوسته (غرض زاویه‌ای است که با عقل عالمگیر انطباق دارد) است، چرا که از «جنبه ربانی» عقل عالمگیر است که روح منبعث می‌گردد. پس می‌بینیم که رکن یمانی نیز در سمت راست عرش (یمین‌العرش) قرار دارد. از سوی دیگر عنصر آتش به‌عالم جسمانی از جهتی پیوستگی دارد که طبیعت را به روح عالمگیر

یا روح جهانی وصل می‌کند و این رابطه فنکسیونل را رکن یمانی ایجاد می‌کند.

ب) رکن سوری که در مغرب قرار گرفته در سمت چپ معبد، حکم شخصی را دارد که روی به‌زائر کرده ولی در سمت راست معبد واقع می‌شود، وقتی که زائر روی به‌معبد دارد (شکل ۶) این رکن منطبق است با جنبه‌ای که طبیعت عالم جسمانی ما را بماده عالمگیر می‌پیوندد، چرا که این ماده عالمگیر (که کل مخلوقات معنوی و مادی را دربر می‌گیرد) به‌علت «جنبه مخلوقی» خود از عقل عالمگیر نشأت می‌گیرد. (به‌همان سیاقی که روح به‌سبب «جنبه ربانی» عقل از آن زاده می‌گردد).

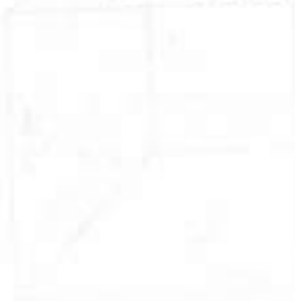
اما عنصر خاک در عالم جسمانی به‌سبب رابطه طبیعت و ماده عالمگیر به‌وجود آمده است. در عالم خاکی ما از این پیوند چیزی پدید می‌آید که بیش از هم توانائی این را دارد که واقعیات اصلیه را به‌صورتی ثابت متجلی کند، رکن سوری کعبه مشخص‌کننده این رابطه است.

ت) می‌ماند رکن غربی که در عقب و سمت چپ معبد قرار دارد (البته معبد باز هم مثل شخصی است که روی به‌سوی زائر کرده است). این رکن انطباق دارد با جنبه‌ای که طبیعت عالم جسمانی را به‌خود - که در حکم طبیعت عالمگیر در سطح واقعیات اصلیه است - می‌پیوندد. درک موقعیت این رکن در فضای فنکسیونل معبد (که می‌توان آنرا از راه ادراک مثالی فهمید) کاری نبوده است. چرا که این رکن واقع شده است میان رکن سوری که در آن میان طبیعت خاکی و ماده عالمگیر پیوند برقرار می‌شود و رکن یمانی که در آن بین طبیعت خاکی و روح عالمگیر ارتباط بوجود می‌آید و پیدایش این امر خود به‌این سبب است که آن چه در جهان ما به‌طبیعت معروف است خود ناشی از دمیدن روح عالم است به کالبد ماده عالمگیر. از این روست که می‌بینیم از یک طرف رابطه طبیعت به‌عنوان طبیعت خاکی با خود به‌عنوان طبیعت عالمگیر باعث پیدایش عنصر هوا می‌گردد و از سوی دیگر با توجه باین که تجلی آثار زنده طبیعت در ماده انجام می‌گیرد، متجلیات این رابطه در رکن سوری بارز می‌گردد.

در احادیث مذکور است که «باد از سوی رکن

سوری می‌وزد. باد جنوب و باد شمال، باد مغرب و باد مشرق. از همین روست که رکن یمانی چه در زمستان و چه در تابستان، چه در شب و چه در روز در لرزش است. باد از نفس الرحمن سرچشمه می‌گیرد و طبیعت صورت تجلی جسمانی این اسم (یعنی رحمن) است. خلاصه‌ازراه تطابقاتی که پیدا کردیم و میانی عقلی آنها را باز نمودیم، تصویری از معبد کعبه در ذهن نقش

می‌بندد که خود صورت تجلی «عرش اعلی» است در طبیعت عالمگیر «جسم کلی». این تطابقات را قاضی سعید به کمک استدلال هندسی دریافته و بنای براهین خود را بر صورت مکعبی شکل کعبه گذاشته است. بنظر قاضی سعید توجیه و تبیین و معنای خانه کعبه در خود آن نهفته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی